



کتابی در دست چاپ درمورد کمیته‌های

حقیقت یاب جنگ‌های اسرائیل

بدون ارتش بدون دولت!

این کتاب، در مورد این کلمه در زمینه سیاسی و نه تنها نظامی، صحبت می‌کند. به نظر او به طور مثال جنبه امنیتی سیاسی جنگ یوم‌کیپور موضوعی است که باید بررسی شود، زیرا در آگرانات بررسی نشده و تنها به ابعاد نظامی آن بسنده شده است. کمیته آگرانات تشخیص داد یک قصور امنیتی با ابعاد سیاسی وجود داشته و رئیس اداره اطلاعات، الی زیرا، به آن پایبند نبوده و رؤسای اداره اطلاعات بعدی نیز از آن درس نگرفته تا به هفتم اکتبر رسیده است. عصر هفتم اکتبر این تصور وجود داشت که حماس منصرف شده و اقدام نظامی دیگری علیه اسرائیل انجام نخواهد داد، اما این تصور اشتباه بود. رئیس بخش تحقیقات اداره اطلاعات، آمیت سر نیز گفت نشانه‌هایی مبنی بر حمله حماس در ششم اکتبر دیده است اما دیدیم چه رخ داد. به عبارت دیگر، شکست‌های اطلاعاتی تکرار می‌شوند و این چیزی است که یک کمیته باید بررسی کند؛ هم از رده نظامی هم از رده سیاسی. گلوסקا در جایی از مصاحبه‌اش این طور می‌گوید: «... نه، من از عملیات ۷ اکتبر حماس غافلگیر نشدم، چون من و دوستانم در جنگ یوم‌کیپور جنگیدیم و وقتی مشغول کنفرانسی به مناسبت پنجاهمین سالگرد آن جنگ بودیم، گفتیم که غافلگیری‌ها اجتناب‌ناپذیرند. این طبیعت انسان است. غافلگیری بعدی نیز اجتناب‌ناپذیر است. ممکن است فردا یا ۱۰۰ سال دیگر اتفاق بیفتد، اما اتفاق خواهد افتاد. ما باید برای آن آماده باشیم و این نقش یک کمیته تحقیق دولتی است.»

فشار افکار عمومی برای تشکیل کمیته

در طول جنگ یوم‌کیپور، تنها اعتراض اجتماعی از سوی والدین سربازان اسیر شده، در اکتبر ۱۹۷۳ بود، اما گلدآ مایر از قبل می‌دانست که باید یک کمیسیون تحقیق تشکیل شود. تنها در فوریه ۱۹۷۴، با اعتصاب غذای کاپیتان موتی اشکنازی، اعتراض عمومی بزرگی رخ داد که در نهایت منجر به استعفای گلدآ شد. در سال ۱۹۸۲، بگین پس از تظاهرات چهارصد هزار نفری در میدان مالکی اسرائیل، تصمیم به ایجاد یک کمیسیون تحقیق گرفت و در سال ۲۰۰۶ مشخص شد حتی بدون اعتراض عمومی، با وجود اعتراض سربازان ذخیره‌ای که آزاد شده بودند و شکایات جدی علیه رده‌های سیاسی و نظامی داشتند، یک کمیسیون تحقیق وجود خواهد داشت، اما همه این‌ها به سطح فشار عمومی در این جنگ نمی‌رسد. این وضعیت متفاوتی است. گلوסקا این‌طور این تفاوت را شرح می‌دهد: «آقایان، شما گروگان دارید، ۱۲۰۰ غیرنظامی کشته شده‌اند، ۹۰۰ سرباز کشته شده و تلفات جنگی بی‌شمار دیگری وجود دارد و علاوه بر این، صدها هزار نیروی ذخیره که در تعداد غیرقابل‌تصور به گشت‌زنی می‌پردازند. امروزه برخلاف گذشته، ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی توسعه‌یافته‌ای نیز وجود دارد، بنابراین واکنش عمومی البته بسیار متفاوت از جنگ‌های قبلی است. اصلاً فشار افکار عمومی هم نباشد باید کمیته تشکیل داد تا ابعاد این فاجعه مشخص شود. در ۷ اکتبر انگار ما نه ارتشی داشتیم و نه دولتی و این چیزی است که باید بررسی شود و نتایج‌ها و فرماندهان نظامی و امنیتی به آن پاسخ دهند.»

چه بوده است و شاید این منجر به تغییر سیاست شود. اگر یک کمیته تحقیق تشکیل شود که به یافتن مقصر نپردازد، شکست‌ها در آینده تکرار خواهند شد. ما شاهد مخالفت‌های زیادی در دولت با کمیسیون تحقیق هستیم. آیا در موارد قبلی نیز چنین مخالفت‌هایی وجود داشته است؟ من نمی‌خواهم وارد جنبه سیاسی شوم، اما می‌گویم برخی از فعالیت‌های این دولت، برخورد مستقیم با سیستم قضایی است. با وجود همه انتقادات از سیستم قضایی، این سیستم هنوز از اعتماد عمومی برخوردار است. بنابراین دیوان عالی کشور باید مسئول ایجاد این کمیسیون باشد، زیرا تنها از این طریق اعتماد عمومی را به دست خواهد آورد.»

خلاصه‌ای از فصل‌های ابتدایی کتاب

در ۳۰ دسامبر ۱۹۶۸، ششمین کنست، قانون کمیسیون‌های تحقیق را تصویب کرد که انتصاب، ترکیب و فعالیت‌های یک کمیسیون تحقیق دولتی در اسرائیل را تنظیم می‌کرد. در ۲۱ نوامبر ۱۹۷۳، کمتر از یک ماه پس از آتش‌بس در جبهه مصر در جنگ یوم‌کیپور، کمیسیون آگرانات به دستور نخست‌وزیر وقت، گلدآ مایر، به ریاست رئیس دیوان عالی، شیمون آگرانات تأسیس شد. در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۲، در جریان جنگ اول لبنان و پس از قتل عام صبرا و شتیلا که باعث خشم عمومی شد، مناخیم بگین، نخست‌وزیر وقت با تشکیل یک کمیته تحقیق دولتی موافقت کرد که در اول نوامبر به ریاست اسحاق کوهرن، رئیس دیوان عالی آغاز به کار کرد. در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۶، پس از جنگ دوم لبنان، نخست‌وزیر وقت اولمرت، قاضی بازنشسته دکتر الیاهو وینوگراد را به ریاست کمیته تحقیقات دولتی منصوب کرد. این اتفاق پس از آن رخ داد که اولمرت قاطعانه از تشکیل کمیته تحقیقات دولتی خودداری کرد، اما اذعان داشت «ناکامی‌هایی وجود داشته است، ما نباید آن‌ها را لاپوشانی کنیم، نباید چشم خود را ببندیم». گلوסקا در مورد فصل‌های ابتدایی کتاب، یعنی تاریخچه کمیته‌های حقیقت‌یاب قبلی این‌گونه توضیح داد: «پس از کمیته آگرانات و نتیجه‌گیری‌های شخصی، رئیس‌ستاد، رئیس اطلاعات نظامی، معاون رئیس اطلاعات نظامی، سرلشکر فرماندهی جنوبی و دو فاسر اطلاعاتی به‌خانه رفتند. در طول کمیته کوهرن، آریک شارون، که وزیر دفاع و رئیس اطلاعات نظامی بود به خانه رفت و فرمانده لشکر ۹۶، آموس یارون ارتقایافت. البته این‌ها در ابتدا متهم شدند و ارتقای درجه‌شان متوقف شد، اما بعدها انگار که اتفاقی نیفتاده، هرکدام به شکلی دوباره به سیستم برگشتند. به دنبال کمیته وینوگراد هم - حتی قبل از انتشار نتایج - دن هالوتز رئیس ستاد، سرلشکر اودی آدام فرمانده شمال و گال هیرش فرمانده لشکر جلیل استعفا دادند. امیر پرتز، وزیر دفاع توسط حزب کارگر از سمت خود برکنار شد. من قصد ندارم کار کمیته‌ها را زیر سؤال ببرم، فقط می‌خواهم یادآوری کنم در تاریخ بودند کسانی که زیر بار نتایج و رأی‌های این کمیته‌ها نرفتند، با این که مقصر شناخته شدند. مثل اولمرت که خود گفت به دلیل نتایج کمیته، حاضر به استعفا نیست و ادعا کرد که یک کشور توسط کمیته‌های تحقیق اداره نمی‌شود.

شکست هفتم اکتبر

نتیجه اعمال نشدن رأی‌های کمیته‌های قبلی

کمیته آگرانات کلمه «قصور امنیتی» را ایجاد کرد و گلوסקا نیز در

۷ سپتامبر ۲۰۲۵ (۱۶ شهریور امسال) دکتر موتی گلوסקا مصاحبه‌ای در معاریو دارد، درمورد انتشار کتابی درباره کمیته‌های تحقیقاتی که پس از جنگ‌ها در اسرائیل تشکیل شدند. او در مصاحبه‌ای توضیح می‌دهد که به نظر او این کمیته باید چه شکلی باشد و چه کاری انجام دهد. در روزهایی که افکار عمومی در اسرائیل پرسش‌هایی درباره مسئولیت، قصور و سازوکارهای امنیتی از جنگ شمشیرهای آهنین و عملیات ارباب‌گیدئون در ذهن دارد، کتاب جدید دکتر موتی گلوסקا با عنوان «پنجاه سال و یک روز» (منتشر شده توسط کینرت زمورا) در حال انتشار است و جنگ‌های اسرائیل را از دریچه کمیته‌های تحقیقاتی که پس از آن‌ها تأسیس شدند، بررسی می‌کند.

شکست‌های مکرر

گلوסקا، محقق و مدرس تاریخ نظامی اسرائیل، وکیل و سرهنگ در این مصاحبه گفت: «این کتاب تقریباً در ۶ اکتبر ۲۰۲۳ تمام شده بود و درواقع، از روز بعد، یعنی ۷ اکتبر مجبور شدم تمام وقایع جنگ را تغییر داده و به آن اضافه کنم.» کتاب او بر اساس رساله دکترایش با عنوان «بین آگرانات و وینوگراد: مسائلی در اجرای توصیه‌های کمیته‌های تحقیق» است که با راهنمایی پروفیسور هانا یابلونکا در کالج هدا سا نوشته شده است. او در جای دیگری از مصاحبه‌اش با معاریو اینچنین عنوان کرده: «کار روی این کتاب در ژوئن ۲۰۲۵ به پایان رسید. در آن من کل موضوع کمیته‌های تحقیقاتی را بررسی می‌کنم، از کمیته ایالتی آگرانات (۱۹۷۳) که جنگ یوم‌کیپور را بررسی کرد، تا کمیته ایالتی کوهرن (۱۹۸۲) که وقایع قتل عام صبرا و شتیلا را در جنگ اول لبنان بررسی کرد، تا کمیته دولتی وینوگراد (۲۰۰۶) که وقایع جنگ دوم لبنان را بررسی کرد. من کار این کمیته‌ها را هم از منظر حقوقی و هم از منظر علوم سیاسی و سیاست تحلیل می‌کنم. در کتاب نشان می‌دهم که پس از هر کمیته تحقیق شکست‌های مکرری رخ داده است، چون نتیجه‌گیری‌های اساسی اجرا نشده‌اند و سعی می‌کنم ویژگی‌های یک کمیته تحقیق را آن‌طور که معتقدم باید باشد، در مورد موضوع ۷ اکتبر شرح دهم چون باید دامنه فعالیت آن از سایر کمیته‌های قبلی گسترده‌تر باشد؛ با داشتن کمیته‌هایی فرعی به عنوان مثال، یک کمیته در مورد اطلاعات، یک کمیته فرعی در مورد مسیر مالی به گروه‌های مبارز یا مسیر مالی قطر و موارد دیگر. یک کمیته ۵۰ نفره، مانند کمیته‌های آگرانات و وینوگراد، قادر به پوشش این رویداد نخواهد بود. این یک رویداد بسیار گسترده‌تر است، هم از منظر سیاسی، هم از منظر نظامی و هم از منظر مسائل داخلی اسرائیل.»

سناریویی که در آن همه بی‌گناه بیرون بیایند

پاتیمیر از گلوסקا می‌پرسد آیا سناریویی وجود دارد که کابینه امنیتی نتایج‌ها و ارتشی‌ها از آن بی‌گناه بیرون بیایند؟ گلوסקا این‌طور جواب می‌دهد: «بی‌گناه بیرون آمدن یعنی چه؟ گلدآ مایر از کمیسیون آگرانات بی‌گناه بیرون آمد و پس از ده روز استعفا داد. مردم باید بدانند چه کسی مسئول است و سیاست شکست‌خوردۀ‌ای که منجر به نتیجه خاصی شد